

هویت و سیاست خارجی خاورمیانه‌ای ایران و ترکیه در سوریه

قدرت احمدیان^۱، فرهاد دانش نیا^۲، کرم رضا کرمان^۳

تاریخ دریافت ۱۳۹۴/۳/۳۰ تاریخ پذیرش ۱۳۹۵/۱۲/۸

چکیده

مقاله حاضر به تعارض روابط ایران و ترکیه پرداخته است. موج بیداری اسلامی و کشیده شدن دامنه آن به کشور سوریه موجب شکل‌گیری تعارضات هویتی در مناسبات دو کشور شده است. دو کشور ایران و ترکیه در قبال تحولات سوریه موضع‌گیری‌های متفاوتی اتخاذ نموده و از دیگر سو تحولات این کشور روابط دو کشور را تحت تأثیر قرار داده است. این پژوهش بررسی روشمند ابعاد هویت ملی و تبلور هویت در رفتارهای سیاست خارجی دو کشور را در پرتو یک رویکرد ایستمولوژیک دوگانه با چارچوبی سازه‌انگارانه مورد مذاقه قرار داده است. یافته‌های پژوهش مبتنی بر این نکته است که جمهوری اسلامی ایران با نگاه خاصی که به هویت و سیاست خارجی دارد عملاً با عمده روندهای جاری منطقه‌ای و بین‌المللی در مواجهه است و بطور بدیهی مخالف ملی‌گرایی سکولار ضد اسلامی ترکیه است. از طرفی یافته‌ها در مورد حزب عدالت و توسعه حاکی از وجود و تحرک سیاست سیال و منعطف این کشور برای دستیابی به اهداف و منافع خود در منطقه است و برای همین خود را منحصر در دسته‌بندی‌های ثابت منطقه‌ای نمی‌کند و با انعطاف‌پذیری شدیداً پراگماتیستی خود، سیاستی سیال را دنبال می‌کند که نشان از عملگرایی اساسی دولتمردان این کشور در عرصه سیاست خارجی دارد. بر این اساس با بهره‌گیری از روش توصیفی - تبیینی و در پاسخ به پرسش اصلی پژوهش مبنی بر علت اصلی تضاد در سیاست خارجی خاورمیانه‌ای ایران و ترکیه در سوریه این فرضیه پردازش گردید که تفاوت‌های هویتی باعث تضاد در سیاست خارجی خاورمیانه‌ای ایران و ترکیه در سوریه گردیده است.

واژگان کلیدی: سازه‌انگاری، هویت ملی، سیاست خارجی، ایران، ترکیه، سوریه

۱۴۱

سیاست جهانی

۱. استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه رازی کرمانشاه

۲. دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه رازی کرمانشاه

۳. دانش آموخته کارشناسی ارشد روابط بین الملل دانشگاه رازی کرمانشاه

نویسنده مسئول karamkaramianhabili@gmail.com

تحولات جهان عرب، ایران و ترکیه را در دو سر طیفی قرار داده است که دیدگاه‌های متضادی دارند. در یک سر طیف، دیدگاه کشورهای غربی و عربی است که تحولات جهان عرب را تحت لوای بهار عربی تلقی می‌کنند. از سوی دیگر، دیدگاه ایران و برخی گروه‌ها در کشورهای اسلامی قرار دارد که از تحولات اخیر، تعبیر به بیداری اسلامی می‌کنند. در این راستا یکی از عمده‌ترین چالش‌هایی که در اثر بیداری اسلامی در منطقه به وقوع پیوسته تزاخم و تعارض سیاست خارجی ایران و ترکیه در قبال تحولات سوریه در بستری هویتی است. بررسی تضادهای موجود در سیاست خارجی ایران و ترکیه به دلیل ماهیت پیچیده، متکثر و مبهم لایه‌های هویتی آنها بر اساس رهیافت‌های خردگرایانه در روابط بین الملل، سبب نوعی تقلیل‌گرایی و توجه به برخی ابعاد رفتاری دو کشور می‌شود که ما را از فهم کلیت رفتاری آنها باز می‌دارد. بنابراین، هدف اصلی نوشتار حاضر ریشه‌یابی تعارضات سیاست خارجی ایران و ترکیه و اثرات آن است که به منازعه در سوریه منجر شده است و پاسخ به این پرسش اصلی است که علت اصلی تضاد در سیاست خارجی خاورمیانه‌ای ایران و ترکیه، در سوریه چیست؟ فرضیه ای که پردازش گردید این است که تفاوت‌های هویتی باعث تضاد در سیاست خارجی خاورمیانه‌ای ایران و ترکیه در سوریه شده است. لذا با توجه به متغیرهای فرضیه مناسب‌ترین رویکرد برای تجزیه و تحلیل این مسئله سازه‌انگاری است که تأثیر انگاره‌های هویت ملی بر سیاست خارجی دو کشور ایران و ترکیه را بهتر مورد بررسی قرار می‌دهد و برخوردار از قدرت توصیفی و تبیینی بیشتری در بررسی مسئله مورد نظر است.

۱. پیشینه پژوهش

با توجه به اهمیت آشکار عنصر هویت در این نوشتار، بعنوان عنصر کلیدی نظریه سازه‌انگاری محققان متعددی در زمینه سیاست خارجی ایران و ترکیه بعد از تحولات سال ۲۰۱۱ در سوریه دست به تحقیق و پژوهش زده‌اند و هر کدام به شیوه‌ای خاص موضوع را بررسی کرده‌اند که از آن میان، می‌توان به چند نمونه که بیشترین هم‌آوایی

را با موضوع حاضر دارند، اشاره کرد. «تعامل و تقابل ایران و ترکیه در بحران سوریه» مقاله‌ای است از جمشید شریفیان و همکاران، ضمن بررسی عوامل بحران‌ساز داخلی مانند رکود سیاسی و اقتصادی و نقش عوامل خارجی مانند تأثیر جنبش‌های جهان عرب بر تحولات داخلی سوریه، اهداف و منافع متفاوت ایران و ترکیه را در این کشور مشخص نموده، که بر اساس جغرافیای جدید منطقه و تئوری مدلسکی (تبدیل جنگ‌های داخلی به جنگ‌های منطقه‌ای و بین‌المللی) و تئوری بازی‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که این عوامل بروز تعامل کمتر و تقابل بیشتر در روابط ایران و ترکیه را فراهم کرده‌اند.

«ترکیه و بحران سوریه؛ از میانجیگری تا مداخله» مقاله‌ای است از مسعودنیا و همکاران ضمن بررسی روابط تاریخی دو کشور که تحت تأثیر سه اختلاف عمده یعنی مسئله کردها، تقسیم آب دجله و فرات و اختلافات ارضی بر سر منطقه‌هاتای بود، روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه را به عنوان فصل جدیدی در روابط دو کشور قلمداد کرده‌اند. این پژوهش با تبیین سیاست خارجی ترکیه بر اساس دکترین عثمانی‌گرایی جدید معتقد است که برخی عوامل منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای باعث شد تا ترکیه با فاصله گرفتن از سیاست میانجیگری به صورت علنی از مخالفان رژیم سوریه حمایت کند و خواهان تغییر نظام سیاسی در این کشور گردد. در این مقاله نگارندگان حمایت از مخالفان سوریه را به ابزاری برای پیوستن به اتحادیه اروپا و در دست گرفتن رهبری جهان اسلام در بعد منطقه‌ای قلمداد می‌کنند. این مقاله با اینکه رویکردی سازه‌انگارانه دارد ولی ریشه اختلافات را ناشی از برخی عوامل منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای میان یکی از طرف‌های منازعه با بستر منازعه می‌داند.

مقاله «سیاست خارجی ترکیه و تهدیدهای امنیتی فراوی جمهوری اسلامی ایران» از حسین مسعودنیا و داود نجفی است که با رویکردی سازه‌انگارانه مؤلفه‌های تغییر سیاست خارجی آنکارا و پیامدهای آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را مورد واکاوی قرار داده‌اند. یافته‌های پژوهش مزبور مؤید این فرض است که عمده‌ترین چالش‌های موجود در روابط دو کشور حول سه موضوع متمرکز شده است. تحولات

سوریه، جریان موسوم به بیداری اسلامی و استقرار سامانه دفاع موشکی ناتو در خاک ترکیه، ولی عامل سوم از دید نگارندگان مؤثرتر است زیرا آن را تهدیدی علیه جمهوری اسلامی ایران می‌دانند. بنابراین، بررسی پژوهش‌ها و آثار منتشره در این راستا بیشتر با هدف ارزیابی نقش عوامل داخلی و خارجی تحولات در سوریه و تأثیر و تأثر آن بر بازیگران جامع آماری این پژوهش به رشته تحریر درآمده‌اند، اما ما تلاش نموده‌ایم تا ریشه تعارضات میان دو واحد رقیب در جریان تحولات سوریه را مورد بررسی قرار دهیم که در نوع خود ایده‌ای جدید است.

۲. رهیافت نظری

برای تجزیه و تحلیل سیاست خارجی دولت‌ها اغلب محققین سعی در استفاده از رویکردها و پارادایم‌های عمده و غالب فکری در رشته روابط بین‌الملل مانند واقعگرایی، آرمان‌گرایی و رفتارگرایی نموده‌اند. با توجه به موقعیت فعلی نظام بین‌الملل و همچنین بافت هویتی (قومی و مذهبی) پیچیده در خاورمیانه، مطالعه هویت ملی جمهوری اسلامی ایران و ترکیه در چارچوب رویکردها و پارادایم‌های مذکور به راحتی قابل فهم نیست. نگارندگان این مقاله از میان نظریه‌های مختلف، رویکرد سازه‌انگارانه را که از قدرت توصیفی - تبیینی بیشتری نسبت به سایر پارادایم‌ها در بررسی مسأله مورد نظر برخوردار است، به عنوان چارچوب نظری برای این پژوهش انتخاب کرده‌اند. سازه‌انگاری به لحاظ معرفت‌شناسی هر دو روش تفسیری و تبیینی را پوشش می‌دهد. این رهیافت در یک بعد، «هستی‌شناسی دولت محور» جریان اصلی را می‌پذیرد، یعنی کنشگران اصلی در جامعه بین‌الملل را دولت‌ها می‌داند (Quero, 2001:27).

از طرفی دیگر، آنها بر خلاف واقع‌گرایان به ابعاد مادی بسنده نکرده، بلکه ضمن توجه به جایگاه ابعاد مادی، بر بعد معنایی و زبانی ساختارها» نیز تأکید دارند (Hopf, 1998:190). سازه‌انگاران معتقدند که بازیگران بر حسب معانی ذهنی، زبان و باورهای خود که برآمده از تلقی‌های هویتی آنهاست دست به کنش متقابل می‌زنند و طبق آن واقعیت را می‌سازند و خود نیز ساخته می‌شوند. نتیجه طبیعی این مسئله در

بررسی رفتار سیاست خارجی یک کشور این است که یک دولت بر اساس نوع تعریف از هویت خود جهان اطراف خود را تعریف می‌کند و بر اساس آن دست به کنش می‌زند و در این کنش واقعیت نظام بین‌الملل را می‌سازد و خود نیز ساخته می‌شود. تحلیل سازه‌انگارانه متوجه نقش تاریخ در شکل دادن به سیاست خارجی نیز هست در این راستا سازه‌نگاری معتقد است که هویت یک دولت با ارجاعاتی ارزشی به گذشته و آینده شکل می‌گیرد (قربانی و توتی، ۱۳۹۳: ۹).

با این اوصاف، هویت‌ها را نمی‌توان به شکلی ماهوی، یعنی جدا از بستر اجتماعی آنها تعریف کرد؛ آنها ذاتا اموری رابطه‌ای‌اند و باید به عنوان مجموعه‌ای از معانی تلقی شوند که یک کنشگر با در نظر گرفتن چشم‌انداز دیگران با سایر کنشگران نشان می‌دهند و از این طریق منافع خاص را تولید می‌کنند و به تصمیمات سیاست‌گذاری شکل می‌دهند. اینکه خود را دوست، رقیب یا دشمن «دیگری» بدانند، تفاوت زیادی در تعامل میان آنها ایجاد خواهد کرد (مشیرزاده، ۱۳۸۹: ۳۳۲). یکی از مهمترین نتایج توجه به هویت، احیای تفاوت میان دولت‌هاست. یعنی واحدهای سیاسی، عملا در سیاست جهان در چهره بازیگران مختلفی جلوه‌گر می‌شوند و دولت‌های گوناگون بر اساس هویت‌های هر یک از دولت‌های دیگر، رفتار متفاوتی در قبال آنها دارند (سیدنژاد، ۱۳۸۹: ۱۰).

۳. شاخص‌های هویت ملی و سیاست خارجی ایران

الف) ابعاد هویت ملی ایران

۱- سرزمین

ایران قلب سرزمین وسیعی است که از نظر ژئوپلیتیکی فلات ایران نامیده می‌شود. این موقعیت، ایران را در وضعیت ژئوپلیتیکی خاصی قرار داده است که سبب حقارت همسایگان آن شده است (سریع‌القلم، ۱۳۷۹: ۱۲). از سوی، وسعت سرزمین ایران در ادوار گذشته، باعث شده است تا مرزهای فرهنگی‌اش به مراتب از مرزهای فیزیکی و جغرافیایی کنونی فراتر باشد و به عنوان رباطها و اتصالات مهمی برای اعمال نفوذ فرامرزی ایران محسوب شوند (نقیب‌زاده، ۱۳۸۱: ۶۵).

۲- تاریخ

تاریخ ایران یکی از عمده‌ترین عناصر سازنده هویت ملی ایران است، چرا که بیانگر آغازین دوران شکل‌گیری روح جمعی و دیرینه بودن هویت ملی ایرانی است، که اصولاً از دو بخش عمده اساطیری و تاریخی تشکیل شده است که از دوران نخستین آن تا به امروز شکل دهنده نگرش و گاه شخصیت ایرانی بوده و بنیان مهمی برای شناخت ایرانیان از خود و شناساندن خود به دیگران به شمار می‌رود (احمدی، بی‌تا: ۱۷).

۳- دین

دین به عنوان یکی از سازه‌های هویتی ایرانیان، پیشینه‌ای به درازای تاریخ و تاریخ نگاری دارد. اما پذیرش اسلام در قالب مذهب شیعه به عنوان نماد ملی و فرهنگی ایرانیان، پتانسیل بالای در بسیج اجتماعی در برابر جریان‌های داخلی و خارجی از خود نشان داده است؛ همین عوامل سبب شده که مذهب شیعه به صورت قویترین عنصر در فرهنگ ملی ایرانیان جلوه نماید و تا به امروز اصالت و قوام خود را حفظ کند (نقیب‌زاده، ۱۳۸۱: ۱۱۵).

۴- زبان

زبان فارسی به عنوان یکی از مهمترین عناصر نگه‌دارنده هویت ملی یا به نوعی (رجایی، ۱۳۸۶: ۵۹)، یکی از پایه‌های حفظ هویت و استمرار فرهنگی ایرانیان و از راههای احیاء و بازتولید اسطوره‌ها و کدهای فرهنگی ایران پیش از اسلام محسوب می‌شود (نقیب‌زاده، ۱۳۸۱: ۹۹). هیچ عاملی به اندازه زبان فارسی در احیای ایران بعد از اسلام و کسب هویت و احترام برای قوم ایرانی مؤثر نبوده است (اسلامی‌ندوشن، ۱۳۸۷: ۴۸).

۵- حکومت

یکی از عمده‌ترین عناصر تشکیل دهنده هویت ملی ایرانی که در میراث تاریخی و ادبی آن بازتاب یافته، میراث سیاسی ایران و مسئله تداوم دولت ایرانی است (احمدی، بی‌تا: ۱۹ - ۱۸). حکومت در ایران از آغاز بر دو پایه جدا از هم یعنی

ملکوتی و مردمی بودن استوار بوده است. این آئین کهن ریشه در مفاهیمی دارد که فرهنگ میترائیسم و مزدائیسم در ایران گسترانده‌اند. اما؛ حکومت در ایران، در چارچوب جمهوری اسلامی بر بنیادی اسلامی و بر اساس برخی مفاهیم ایرانی شیعی استوار است که با در آمیختن مفهوم ولایت فقیه در راس، چهره تازه‌ای از مفهوم حکومت را در سرزمین ایران به نمایش در آورده است که متمایز از سایر حکومت‌هاست (مجتهدزاده، ۱۳۸۶: ۳۷).

۶- میراث فرهنگی

تاریخ، جغرافیا و اندیشه دولت‌آرمانی ایرانی در آداب و رسوم، سنتها و آثار نثر و نظم بسیار متعددی ثبت شده است که می‌توان از آن به مثابه میراث فرهنگی ایران نام برد. این میراث شامل آئین‌ها و سنت‌ها، اعم از جشن‌ها و سوگواریها، الگوی از معناهای نهفته در نمادها هستند که به صورت تاریخی و سینه به سینه انتقال یافته‌اند (رجایی، ۱۳۸۶: ۱۳۶)

۷- هویت قومی

معیار قومی بودن در ایران جز دو عامل زبان و مذهب چیزی دیگر نمی‌تواند باشد به نحوی که مسئله شیعه بودن ترک‌های آذری و قوم گرایی در کردستان سبب همگرایی این دو منطقه با حکومت ایران شده است (احمدی، ۱۳۸۶: ۴۸). فلات ایران ناحیه‌ای جغرافیایی - منطقه‌ای و فرهنگی است که همواره باعث تنوع قومی و نژادی شده است. محققان گروه‌های قومی ایران را به سه دسته آریایی‌ها، غیر آریایی‌ها و گروه‌های مختلط تقسیم کرده‌اند (احمدی‌پور و همکاران، ۱۳۸۹: ۴۵).

۸- اسطوره‌ها و قهرمانان

اسطوره‌ها به همراه قهرمانان آن به عنوان یکی از مؤلفه‌های فرهنگی ایرانیان محسوب می‌شوند. افسانه‌های کهن ایرانی، اسطوره‌هایی هستند که با اندیشه اهورایی در برابر اهریمن نضج گرفته‌اند. حماسه نیز بر مبنای این اندیشه اهورایی پدید آمده است. رکس وارنر (۱۳۸۹) در کتاب دانشنامه اساطیر جهان، دنیای حماسه و اساطیر

را دنیای خدامحوری می‌داند. شاهنامه فردوسی، اصلی‌ترین منبع اینگونه اساطیر در فرهنگ ایران است.

ب) لایه‌های هویت ملی ایران

لایه نخست فرهنگ سیاسی ایران، یعنی عناصر هویتی ایران باستان متعلق به دوران تمدن ایران در امپراتوری‌های ایرانی پیش از ورود اسلام به ایران است. این لایه فرهنگ سیاسی را شاخصه‌های مختلفی مانند ژئوپلیتیک ایران به عنوان مرکز تمدن و شاهراه ارتباطی تمدن در آسیا، متغیرهای ایدئولوژیک ادیان الهی ایرانیان، ساختار حکومت‌های ایرانی و سنت و آداب و رسوم و باورهای مشترک آریایی شکل می‌دهد. در واقع اولین سطح شناخت «خود ایرانی» متأثر از شاخصه‌های فرهنگی ایرانیان باستان تکوین یافته و هنوز هم تا حدودی به عنوان ویژگی‌های پایدار فرهنگ ایرانیان، ثابت و پابرجا باقی مانده است.

دومین لایه فرهنگ سیاسی، مفاهیم برخاسته از اسلام، اصول، قواعد اخلاقی، فقهی و حقوقی آن که در قالب ایدئولوژی و مذهب شیعه در ایران بومی شده‌اند، نقش مهمی در ساخت ذهنیت «خود» و هویت ایرانی مسلمان و بازتاب بیرونی آن در رفتار ایرانیان داشته است. بر این اساس ظهور انقلاب اسلامی تبلور عینی لایه مذهبی ایرانیان بوده و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز متأثر از بنیادهای اسلامی مانند اصل دعوت، نفی سبیل، تولی و تبری، تألیف قلوب بر ساخته شده‌اند.

سومین لایه فرهنگی ایرانیان یعنی فرهنگ سیاسی مدرن نیز در تکوین سیاست خارجی ایران مؤثر بوده‌اند. در واقع اگر چه بسیاری از این شاخصه‌های فرهنگی غیربومی در تعارض با عناصر هویتی ایرانی و اسلامی قرار می‌گیرند. اما شرایط در حال گذار و انتقالی ایران از شاخصه‌های اجتماعی سنتی به شرایط نوین در نظام بین‌الملل و تمایلات ایرانیان در احیاء هویت ایرانی و اسلامی و نیاز آنان به علوم و تکنولوژی غربی در این فرآیند و همچنین تحمیل برخی از هنجارها و ارزش‌های غربی در قالب رژیم‌ها و هنجارهای بین‌المللی سبب شده است که عناصر فرهنگ غربی تحت تأثیر دو لایه هویتی ایرانی و اسلامی در ساخت سیاست خارجی ایران

مؤثر باشد. با این وجود نقش آن در تکوین سیاست خارجی ایران همواره ثانوی و بیشتر تحت تأثیر دیگر لایه‌های فرهنگ سیاسی ایران بوده و این مسئله سبب ابهام، چندپارچگی و پیچیدگی رفتار ایران در نظام بین‌الملل شده است. بنابراین در بررسی بنیادهای هویتی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تنها می‌توان به سه لایه فرهنگی ایران باستان، اسلامی و لایه فرهنگی جدیدی که در قالب لایه فرهنگی انقلاب اسلامی متبلور شده است، اشاره کرد (قوام و جاودانی، ۱۳۸۶: ۹۶-۹۵).

ج) شاخص‌های گفتمانی جمهوری اسلامی ایران

از زورآزمایی لایه ایرانی در قالب شونیسیم پهلوی به همراه شبه‌مدرنیسم غربی با لایه اسلامی، انقلاب اسلامی ایران سر برآورد که خود را جنبشی در حال گذار برای احیاء اسلام می‌داند و هم‌اکنون هم جنبش‌های جهان عرب را متأثر از خود می‌داند. با توجه به اینکه بازتاب مبانی هویتی هر کشوری در محتوی قانون اساسی آن کشور است، در جمهوری اسلامی ایران هم با توجه به تقدم کلمه اسلامی بر کلمه ایران و محتوی قانون اساسی محتمل به نظر می‌رسد که این صفت اسلامی است که تعیین کننده ایستارهای حاکم بر نظام و ساختار سیاسی آن است. از سنتز لایه‌های هویتی ایرانی و اسلامی است که شاخص‌های سیاست خارجی ایران شکل می‌گیرد که عبارتند از: اسلام‌گرایی، ایران‌مداری، جهان‌گرایی، هژمون‌گرایی منطقه‌ای، بیگانه‌ستیزی، عدالت‌طلبی، حمایت از جنبش‌های اسلامی و انقلابی، عدم‌تعهد و جهان‌سوم‌گرایی، امنیت‌گرایی (ارجمند و چابکی، ۱۳۸۹: ۵۳-۵۲).

۴. شاخص‌های هویت ملی و سیاست خارجی ترکیه

الف) ابعاد هویت ملی ترکیه

۱- سرزمین

ترکیه سرزمینی مستطیل شکل است که در فلاتی مرتفع به نام آناتولی محصور شده که در غرب فلات ایران قرار دارد که قبلاً آسیای صغیر نامیده می‌شد. ۳٪ درصد از سرزمین این کشور در تراست شرقی، یعنی در قسمت اروپای آن قرار دارد که از نظر ژئوپلتیکی به این کشور موقعیت ممتازی می‌بخشد. (قاسمی، ۱۳۷۴: ۴). ترک‌ها از

لحاظ منطقه‌ای خود را پلی میان شرق و غرب و اسلام و مسیحیت می‌دانند. از همین رو معتقدند این کشور یک پل تمدنی محسوب می‌شود و حتی در مطالعات سیاست خارجی ترکیه، این اعتقاد به نظریه پل معروف شده است (Soyzel, 2004:39).

۲- تاریخ

ترکیه تاریخی طولانی با کشورهای خاورمیانه و قفقاز و آسیای مرکزی تا افغانستان و سایر کشورهای اسلامی دارد؛ این گذشته تاریخی و روابط فرهنگی باعث تسهیل روابط و نفوذ ترکیه در این کشورها شده است. ترکیه همچنین قرابت قومی، نژادی و زبانی زیادی با کشورهای منطقه به ویژه، قفقاز و آسیای مرکزی دارد که این عوامل به عنوان قدرت نرم قابل پیگیری‌اند (هاشمی، ۱۳۹۱).

۳- دین

هویت دینی نزد ترک‌ها با پذیرش اسلام و تشکیل امپراتوری عثمانی، بر اساس فقهات سنی - حنفی اسلام تعریف شده است. اکثر مردم ترکیه بعد از پذیرش اسلام همواره هویت خود را بر اساس آن تعریف کرده‌اند و به رغم تحولات بسیاری که پس از برقراری نظام جمهوری در ترکیه در سطح جامعه و در جهت نزدیکی به باورهای غربی صورت گرفته است، هنوز دین در بطن جامعه و در میان آحاد مردم دارای پایگاه و حضور قابل توجهی می‌باشد به نحوی که نمودهای بارز آن را می‌توان از لابه‌لای مظاهر و ارزش‌های غربی در این کشور به خوبی مشاهده نمود (هاشمی، ۱۳۹۱: ۷۱).

۴- حکومت

با روی کار آمدن آتاتورک و تأسیس حکومت جمهوری، حکومت و دولت بر اساس مدل غربی آن که متأثر از ناسیونالیسم بود، شکل گرفت و دولت سرزمینی را بر اساس هویت ملی ترک بنا نهاد؛ به گونه‌ای که بسیاری از سنت‌های غربی را جایگزین سنت‌های اسلامی نمود. در ادامه با روی کار آمدن اسلام‌گرایان شکلی از حکومت در این کشور بنیان گذاشته شده است که با رویکردی نرم در صدد آشتی میان اسلام و دموکراسی و مدرنیته است.

۵- زبان

ترکی زبان رسمی و مادری ساکنان ترکیه (آسیای صغیر و تراکیای شرقی) است و یکی از قدیمی‌ترین زبانهای دنیا به شمار می‌رود. از نظر تاریخی زبان و ادبیات ترکی به سه دوره قدیم، اسلامی و مدرن تقسیم می‌شود. در دوره اسلامی، الفبای عربی و فارسی جایگزین الفبای قدیمی گردید. دوره مدرن با اصلاحات آتاتورک که به «انقلاب حروف» معروف است، زبان ترکی را از زبانهای فارسی و عربی پالایش نمودند و الفبای لاتین را جایگزین آن کردند (قاسمی، ۱۳۷۴: ۲۲ - ۲۰).

۶- هویت قومی

از منظر تاریخ‌دانان، ترک‌های اصلی تا قبل از قرن ششم میلادی، به صورت اقوامی بدوی در جنوب سیبری سکونت داشتند اما از نیمه اول قرن ششم میلادی، با مهاجرت به جنوب و غرب و با همراهی برخی از قبایل همجوار بنای امپراتوری توروک (قوی) را نهادند، که از مغولستان تا دریای سیاه را در بر می‌گرفت که نام «ترک» از آن گرفته شده است. از طرفی سرزمین ترکیه همانند پلی محل تاخت و تاز و گذر افراد و اقوام مهاجر بوده است که اختلاط نژادی و فرهنگی متنوعی را ایجاد نموده است؛ مثل تیپ مغولی، ترکمنی، چرکسی‌ها، ترک‌های حوالی دریاچه وان، ترک‌های سرخ موی یا تیپ‌های یونانی (قاسمی، ۱۳۷۴: ۱۹).

۷- میراث فرهنگی

آئین‌ها و سنت‌های مردم ترکیه، یعنی افرادی که در مرزهای ۱۹۲۳ زندگی می‌کنند در یک قرن اخیر تغییراتی اساسی نموده است. امروزه شاید بتوان ترکیه را یگانه کشوری دانست که بخش‌های بزرگی از فرهنگ شرق و غرب را همزمان در خود دارد. ترکیه کشوری فرهنگی با تاریخی غنی است و اقوام مختلفی در این کشور زندگی می‌کنند و هر یک رسوم، اعیاد و جشن‌های خاص خود را دارند (Www.Yic.Ir).

۸- اسطوره‌ها و قهرمانان

تاریخ اساطیر ترک و وسعت جغرافیایی آن بسیار گسترده است. در اساطیر ترک اسطوره دلاوری از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و برای همین نقش قهرمانان

نجات‌بخش به خوبی در آنها انعکاس یافته است. اساطیر ترکی دارای وجه تمایزی با اساطیر سایر ملل هستند که این مهم به شرایط روانشناختی ترک‌ها و نگاه متفاوت آنها به دنیا مربوط است. اساطیر ترک بر پایه باور به خدایان استوار نیست. در اساطیر ترک توجه بیشتری به عدالت‌محوری و نجات‌بخشی وجود دارد (ساری‌تاش، ۱۳۹۲).

ب) لایه‌های هویت ملی ترکیه

اولین لایه هویتی، عثمانی‌گرایی یا لایه مذهبی است که اساس آن بر وسعت جغرافیایی، نیروی نظامی گسترده و فتوحات بزرگ استوار بوده است. در این لایه هویتی در ترکیه که سیر شکل‌گیری آن به عصر عثمانی بر می‌گردد شاخص‌های مهمی وجود دارد که بدون شک تأثیر بسزایی در هویت متکثر ترکیه امروزی دارد که خوی عثمانی‌گری در حزب عدالت و توسعه در قالب نوعثمانی‌گرایی احیاء نموده‌اند که در قالب مؤلفه‌های زیر می‌توان برشمرد: وجود مساجد در ترکیه؛ احیاء شعائر اسلامی در عرصه اجتماع ترکیه؛ حجاب در ترکیه؛ وجود طریقتها که با نام‌های (نقشبندیه، بکتاشیه، مولویه، تیجانیه، سلیمان‌جی) هستند؛ حرکت‌ها و جنبش‌های اسلامی ترکیه (جنبش ملی گروش، جنبش حیدر باش، اتحادیه جماعات اسلامی؛ حاجیان ترکیه؛ بنیادها و انجمن‌ها و شرکت‌های اقتصادی اسلامی؛ رسانه‌ها، انتشارات و مراکز فرهنگی؛ مدارس امام خطیب (هاشمی، ۱۳۹۱: ۵۷).

دومین لایه هویتی ترکیه که جهت‌گیری اصلی سیاست خارجی این کشور را تشکیل می‌دهد نشأت گرفته از تفکر غرب‌گرایانه کمالیسم است که بیشتر نخبگان ترک هم از ابتدای شکل‌گیری رژیم جمهوری به این اصل اعتقاد داشتند و معتقد بودند که یک ترکیه مدرن و مستقل تنها از طریق غربی شدن و اروپای شدن قابل تحقق است که اساس این لایه هویتی را اصول ششگانه کمالیستی تشکیل می‌دهد. با توجه به اینکه اصول بنیادین جمهوری ترکیه به لحاظ هستی‌شناختی با بسیاری از ایده‌آلهای اسلامی در تضاد است، شگفت‌انگیز نیست که غرب‌گرایی، ناسیونالیسم و سکولاریسم به عنوان عناصر هویت رسمی و دولتی ترکیه محسوب شوند، عناصری که با تشکیل

یک زنجیره هم ارزی در بسیاری از زمینه‌ها، هویت اسلامی را تهدید می‌کنند (امام جمعه‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱: ۴۷). سومین لایه هویتی ترکیه، لایه تاریخی است. سرزمینی که امروزه جمهوری ترکیه نامیده می‌شود کمتر از صد سال پیش مرکز یک امپراتوری بزرگ بود که کشورهای عربی خاورمیانه، ترکیه امروزی و قسمت اعظم بالکان، مولداوی، والاشی یا مالاکیا را در بر می‌گیرد. شاخص‌های هویت تاریخی در ترکیه امروزی را می‌توان چنین برشمرد: وجود مذاهب مختلف، نژادها و قومیت‌های مختلف، آثار و نشانه‌های تاریخی مانند کلیساها، موزه‌ها و بناهای تاریخی، اقلیت‌های ترک زبان در کشورهای که قبلاً بخشی از امپراتوری عثمانی بوده‌اند، وجود آثار و نشانه‌های امپراتوری عثمانی در کشورهای حوزه بالکان، کشورهای عربی، اسلامی و شمال آفریقا اشاره کرد (هاشمی، ۱۳۹۱: ۱۵۸-۱۲۷)

ج) شاخص‌های گفتمانی حزب عدالت و توسعه

سیاست خارجی ترکیه همانند ایران بر اساس بنیادهای هویتی آن شکل گرفته است. مهمترین عناصر ساخت هویت ترکیه در فرهنگ ملی آن کشور در سه لایه متکثر مذهبی، ملی و تاریخی متجلی شده است. از تأثیر و تأثر این سه لایه هویتی، سیاست خارجی چند وجهی برای حزب عدالت و توسعه شکل گرفته است. مهمترین شاخص‌های گفتمانی حزب عدالت و توسعه عبارتند از: اسلام‌گرایی اعتدالی، چندجانبه‌گرایی، استمرار بر مقام فرهنگ و تمدن عثمانی با قدرت نرم، توسعه روابط هماهنگ با قدرت‌های جهانی، انعطاف‌پذیری برای سازگاری، صرف کردن مشکلات با همسایگان، تغییر جهت از قدرت منطقه‌ای به قدرت مرکزی، تأکید بر وابستگی متقابل اقتصادی با وجود موانع سیاسی (امیدی و رضایی، ۱۳۹۰: ۲۴۱).

۵. سیاست خاورمیانه‌ای متفاوت ایران و ترکیه

از نظر تاریخی زیر پوست روابط دوستانه بین دو کشور ایران و ترکیه همواره نوعی بی‌اعتمادی و ناخرسندی وجود داشته است. ایران و عثمانی از قرن شانزدهم و هفدهم رقبای مذهبی و منطقه‌ای یکدیگر بوده‌اند. عثمانی مدافع اسلام سنی در مقابل ایرانیان شیعی بود و به ویژه پس از پیروزی بر مکه و مدینه در قرن شانزدهم، سلطان

عثمانی که عنوان خلیفه را برای خود برگزید با شیعیان اختلافات دینی پیدا کرد و جنگ‌های بسیاری در قرن شانزدهم بین عثمانی و دولت صفویه در ایران رخ داده است. اما در دوره پهلوی نوعی سازگاری در روابط دو کشور حاکم گردید که طوفان انقلاب ایران رقابت تاریخی میان دو کشور را در قالب ترکیه سکولار و ایران اسلامی (شیعی) زنده نمود ولی با سیاست آنکارا در زمان جنگ ایران و عراق که بر اساس سیاست سنتی کمالیسم که عدم تعهد و عدم دخالت در خاورمیانه بود، تعدیل گردید (امیدی و رضایی، ۱۳۹۰: ۲۴۷). این روابط پس از سال‌ها و با روی کار آمدن حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه با ریاست جمهوری عبدالله گل و نخست وزیری رجب طیب اردوغان رو به بهبود گراید و این دو کشور همکاری نزدیک و مشترک خود را برای تأثیر بر منطقه آغاز کردند. همکاری ایران و ترکیه در مسائلی مانند حمایت از غزه و سیاست‌های ضد صهیونیستی، همچنین همکاری نزدیک ترکیه با ایران در ماجرای انرژی هسته‌ای و حمایت کامل از ایران باعث نزدیکی هرچه بیشتر ایران با ترکیه شد. اما این بهار زودتر از آنچه تصور می‌شد به خزان رسید و مشکلات ایران و ترکیه یکی پس از دیگری آغاز شد، جرقه این اختلافات هنگامی خورده شد که ترکیه اجازه داد که آمریکا و اروپا در خاک این کشور سپر دفاع موشکی خود را نصب کنند که این عمل ترک‌ها برای ایران قابل هضم نبود. اما این سوریه و اتفاقات درون کشور مذکور بود که باعث شد کم‌کم روابط بین ایران و ترکیه به پایین‌ترین حد خود در چند سال گذشته برسد. بازی کردن ترک‌ها در پازل آمریکا و غرب و فشارها برای برکناری بشاراسد، تجهیز و آموزش مخالفان سوری و کمک‌های مالی و تجهیزاتی به آنها مسئله‌ای نبود که ایران از کنار آن به سادگی عبور کند.

تفاوت در سیاست خاورمیانه‌ای دو کشور ایران و ترکیه بالأخص در سوریه بر اساس نوع تعریفی است که دو کشور از اسلام سیاسی ارائه نموده‌اند و الگوهای متفاوتی را برای خود ترسیم کرده‌اند؛ اسلام سیاسی گرایش‌های گوناگونی در درون خود دارد که گاهی با هم به مرحله تضاد نیز می‌رسند. «اسلام محافظه‌کار سنتی عربستان»، «اسلام سیاسی مدنی ترکیه»، «اسلام سیاسی امت‌گرای ایران» و «اسلام

سیاسی بنیادگرا یا تندرو القاعده»، چهار گرایش مهم اسلامی هستند که هر کدام حاملان خاص خود را دارند که «محمد ایوب» آنها را در قالب گرایش انقلابی، انتقادی، مدرن، محافظه‌کار و بنیادگرا طرح کرده است.

هر کدام از این گرایش‌ها در بهار عربی فعال بوده و برای تقویت نیروهای خود تلاش می‌کنند. بنابراین در مقیاس منطقه‌ای تداوم بحران سوریه به نوعی نتیجه رقابت بین دو جریان متعارض «مقاومت» و «محافظه‌کار» است. با آغاز بهار عربی شاهد بروز رقابت فزاینده بین دو جریان مقاومت شامل کشورهای ایران و سوریه و گروه‌های مقاومت حزب‌الله لبنان و حماس در مقابل جریان میانه‌رو شامل عربستان سعودی، اردن، جریان چهارده مارس لبنان به رهبری سعدالحریری و تشکیلات خودگردان فلسطین در منطقه خاورمیانه بوده‌ایم. در مورد نقش ترکیه و قطر در خاورمیانه نیز نمی‌توان این کشورها را کاملاً در دو جریان قرار داد. این دو کشور در سال‌های اخیر نقش متعادل کننده را در موضوعات خاورمیانه بازی کرده‌اند. مواضع این دو کشور در برخی موارد همسو با جریان مقاومت و در برخی موارد همسو با جریان محافظه‌کار بوده است. ترکیه و قطر می‌دانند که در اوضاع کنونی هیچ کشور عربی در منطقه وجود ندارد که بتواند مانع قدرت گرفتن آنها شود. تنها کشوری که می‌تواند با این کشورها رقابت کند، ایران است و به همین جهت هم برای کاهش نفوذ ایران در منطقه با تغییر تاکتیکی به جریان محافظه‌کار پیوسته‌اند. بنابراین یکی از محل‌های اختلاف ایران با ترکیه که به ویژه با شکل‌گیری تحولات جهان عرب بروز و ظهور بیشتری یافته است همان رقابت دو نظام حکومتی ایران یعنی حکومت اسلامی و نظام حکومتی ترکیه است (کرمیان و البرزی، ۱۳۹۴: ۲۰۲).

۶. روابط ترکیه و سوریه

ترکیه سال‌های متمادی روابط شکننده و غیر قابل اطمینانی با سوریه داشته است. اما این کشور با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه، روابط خود با سوریه را بهبود بخشید. در مقابل دولت بشار اسد نیز تلاش کرد تا اختلافات گذشته خود را با دولت اردوغان حل و فصل نماید و رابطه قابل اعتمادی با این کشور از سر گیرد. اما این

شروع تحولات در سوریه بود که روند روابط دو کشور را دگرگون کرد. در سپتامبر ۲۰۱۱ سیاست خارجی ترکیه در قبال بحران سوریه تغییر اساسی یافت و دولت ترکیه با پذیرش مخالفین دولت سوریه در کنار اپوزیسیون این کشور قرار گرفت. از این پس سیاست ترکیه در راستای همراهی با سیاست‌ها و مواضع کشورهای غربی قرار گرفت و هدف اصلی از اجرای دیپلماسی فعال منطقه‌ای و بین‌المللی ترکیه در قبال موضوع سوریه را می‌توان برکناری اسد از قدرت دانست. سیاستی که از حمایت اتحادیه اروپا، ایالات متحده و اتحادیه عرب نیز برخوردار است (محمدی، ۱۳۹۱).

۷. روابط ایران و سوریه

کشور عربی سوریه از جمله کشورهای اسلامی است که ایران با آن دارای روابط دیرینه و تاریخی بوده و در حال حاضر نیز تداوم دارد. مناسبات میان دمشق و تهران به دنبال استقلال سوریه در سال ۱۹۴۶ برقرار گردید. گرچه این روابط در نیمه دهه ۱۹۴۰ و نیمه اول دهه ۱۹۵۰ به علت طبیعت متفاوت رژیم جمهوری سوریه و نظام پادشاهی ایران در سطح پایین قرار داشت، اما در آن اثری از خصومت و تشنج دیده نمی‌شد. گرچه از سال ۱۹۵۳ و در طول دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰، سیاست‌های خاص ایران پهلوی با تمایلات رژیم انقلابی به شدت طرفدار پان‌عرب‌یسم سوریه برخورد و درگیری پیدا کرد. اما حافظ‌اسد در سالهای پایانی دهه ۱۹۷۰، سیاست مبتنی بر واقع‌گرایی را در قبال ایران پیش گرفت از یک سو پیوندهای خود را با رژیم حفظ کرد و از سوی دیگر بسترهای روابط با ایران پس از انقلاب فراهم شد. نکته مهم، همکاری سوریه با جنبش‌های آزادیبخش فلسطین و لبنان بود که با توجه به رویکرد جدید ایران پس از انقلاب در قبال فلسطین، همگی اینها در پیوند میان دو کشور پس از ۱۹۷۹ نقش قابل توجهی داشت. روابط ایران و سوریه پس از انقلاب اسلامی به تدریج توسعه یافته و دو کشور عملاً به هم‌پیمانان راهبردی مبدل شدند. ظهور انقلاب اسلامی و شکل‌گیری هویت آن که بر مبنای مخالفت با اسرائیل و احیای آرمان فلسطینیان شکل گرفته، دو کشور ایران و سوریه را در کنار یکدیگر قرار داده است (امیدی، ۱۳۸۷: ۱۱۹-۱۱۸).

۸. سوریه: مهمترین چالش ایران و ترکیه

بزرگترین و مهمترین چالش میان ایران و ترکیه موضوع سوریه است. نوع نگاه دو کشور به بحران سوریه و بالتبع رویکرد دو کشور در این حوزه ایران و ترکیه را مقابل یکدیگر قرار داده است. با شروع مخالفت‌ها علیه دولت بشار اسد، ترک‌ها به حمایت از معارضین و مخالفان پرداختند و در مقابل ایران جناح اسد را گرفت. در سال‌های اخیر نیز ترکیه به مرکز پرورش و اعزام تروریست‌ها به سوریه تبدیل شده است و ایران به محور مقاومت و مقابله با تروریسم در منطقه. از سوی، ترکیه حمایت و پشتیبانی همه جانبه ایران از بشار اسد را عامل عمیق شدن بحران در سوریه می‌داند و همزمان، تهران حمایت‌های تسلیحاتی ترکیه از گروه‌های مسلح و تروریستی در خاک سوریه را عامل ادامه بحران در سرزمین شام اعلام می‌کند (نیکخواه، ۱۳۹۴/۱۲/۱۶).

۸-۱. اهداف ایران در سوریه

۱- از نظر ایدئولوژیکی: سوریه تنها کشور عربی است که در خط مقدم مبارزه با صهیونیست ایستاده است و پیمان صلح با صهیونیست‌ها را امضاء نکرده است و این وجه اشتراک ایدئولوژیک ایران با دولت سوریه است که به آنها هویتی مشترک بخشیده است. سوریه و اسرائیل از ۱۹۶۸ تاکنون در جنگ سرد به سر می‌برند و این رفتار سوریه یعنی بازی در پازل جمهوری اسلامی ایران.

۲- از نظر ژئوپلیتیکی: به لحاظ جغرافیایی کشور لبنان وسعتی به اندازه استان چهارمحال و بختیاری دارد و کل مساحت نوار غزه به اندازه شهر تهران نیست لذا اشراف صهیونیست‌ها از جهت اطلاعاتی و هوایی و امنیتی بر این دو منطقه کوچک قطعی است. بنابراین سوریه عقبه مقاومت است و فروپاشی نظام سوریه یعنی قطع رابطه ایران با عقبه مقاومت در لبنان و فلسطین و نتیجه آن یعنی پیروزی صهیونیست‌ها و آمریکا بر تنها کشور عربی که همچنان به مقاومت معتقد است.

۳- از نظر نوع حکومت: سومین نکته حمایت ایران از سوریه چنین می‌تواند باشد که علاوه بر آن ملاحظه دیگر نیز مد نظر جمهوری اسلامی ایران هست. اگر جریانی که

تلاش می‌نماید در سوریه حاکم شود، معتقد به مقاومت و حمایت از آن باشد طبیعتاً حمایت از دولت سوریه کم‌رنگ خواهد شد و می‌توانیم با آن کار کنیم. اما شعار (لا حزب‌الله لا ایران) و آتش زدن پرچم ایران و حزب‌الله در سوریه نشان داد این گونه نیست.

۴- از نظراهدبردی - مذهبی: چهارمین نکته دیگر اینکه جریان مسلحی که در سوریه می‌جنگند سلفی است و مورد حمایت عربستان سعودی و آمریکا و برخی دیگر از کشورها چون ترکیه و قطر است. لذا حاکمیت این جریان در سوریه یعنی ظهور یک طالبان دیگر در منطقه و فوران تنفر ضد شیعی که هم شامل عراق، ایران و علویان در سوریه خواهد شد. بنابراین برای ایران حمایت از نظام سوریه، برای خوش خدمتی به این نظام نیست بلکه برای اهداف دیگری است و آن استمرار مقاومت در حاشیه صهیونیست‌ها است (پورطالب، ۱۳۹۱).

۲-۸. اهداف ترکیه در سوریه

۱ - برقراری حکومت اسلامی معتدل مورد نظر ترکیه: برقراری حکومت اسلامی معتدل مورد نظر ترکیه در سوریه اخوان‌المسلمین است که بر اساس نزدیکی الگوی اخوانی به الگوی سکولار ترکیه که بسیاری از ارزش‌ها و باورها و اعتقادات غرب را پذیرفته و دیدگاه‌های لیبرال مسلکی دارد از حمایت دولتمردان آنکارا برخوردارند. در الگوی ترکیه نوعی اسلام سکولار و لائیک مدنظر دولتمردان ترک وجود دارد که بیش از آنکه احکام و قوانین اسلام بر روش حکومتی آنان جاری باشد، قوانین و ارزش‌های غرب بر آن جاری و ساری است. اسلام لیبرال مسلک مورد نظر دولتمردان ترکیه، اسلامی سازشکار و منفعت‌طلب است که اهل مبارزه با استکبار و قدرت‌های زورگو نیست، گرچه شاید علی‌الظاهر با برخی از اقدامات و دولتمردان دول زورگو و مستکبر غرب و صهیونیست هم هرازگاه مخالف باشد، اما این مخالفت‌ها بیشتر یک ژست سیاسی برای بهره‌برداری‌های سیاسی دولتمردان ترک در جهان اسلام و نوعی عوام‌فریبی است. اسلام الگوی ترکیه، اسلامی متضاد با آرمان‌گرایی اسلامی است و بیشتر اهل زدو بند و برخاسته از دیدگاهی واقع‌گرایی

سیاسی است، بیشتر مصلحت‌اندیش است و تنها منافع خود، حزب، گروه و کشور خود را در نظر می‌گیرد (بشیری، ۱۳۹۱: ۱۲).

۲- تغییر زبان مقاومت و رقابت با جایگاه منطقه‌ای ایران: ترکیه به رهبری اردوغان به این نتیجه رسیده است که گفتمان مقاومت در خاورمیانه در بین توده‌های اجتماعی جهان اسلام طرفداران چشم‌گیری دارد. به همین دلیل، تلاش می‌کند محوریت ایران در گفتمان مقاومت را با چالش روبه‌رو کند. به عبارتی از نظر دولت ترکیه، ایران حامی اصلی مقاومت اسلامی - ضد صهیونیستی حزب‌الله، حماس و در کل، گفتمان مقاومت در منطقه خاورمیانه است و ژئوپلیتیک شیعی را که از ایران تا عراق، سوریه و لبنان شکل گرفته و روی حوادث خاورمیانه تأثیرگذار است، هدایت می‌کند. به همین دلیل، ترکیه همزمان در صدد تضعیف سوریه و نیز تغییر زبان مقاومت با ارائه الگویی ترکیه‌ای به منظور تضعیف جایگاه منطقه‌ای ایران است (فلاح، ۱۳۹۱).

۳- احیای نقش عثمانی توسط ترکیه جدید: سیاست صفرکردن مشکلات با همسایگان با شدت گرفتن حوادث در سوریه، از سوی ترکیه رها گردید (Baroud, 2011). و به نوعی روابط حسنه با جریان مقاومت رنگ و بوی منازعه به خود گرفت و منجر به گام نهادن این حزب به مرحله دوم سیاست نوعثمانی‌گری شد. نقطه شروع این سیاست را باید در پیروزی اردوغان در انتخابات ژوئن ۲۰۱۱ و نوید احیای این امپراتوری در سخنانش یافت: «امروز از استانبول تا بوسنی پیروز شده، از امیرتای بیروت، از آنکارا تا دمشق، از دیاربکر تا رام‌الله، نابلس، جنین، کرانه باختری، قدس و غزه پیروز شده، امروز از ترکیه تا خاورمیانه، قفقاز، بالکان و اروپا پیروز شده است» (امیدی و رضایی، ۲۰۱۴: ۱۳۹۱).

وی با این پیروزی حس کرد که باید در واقع نقشه امپراتوری و گام نهادن به مرحله بعد را ترسیم نماید. یعنی بعد از صفر کردن مشکلات با همسایگان، خیز ترکیه به عنوان قدرت برتر منطقه‌ای فرا رسیده و هم اکنون، راه آن از سوریه می‌گذرد که منجر به یک رقابت و مانور دیپلماتیک با ایران برای تثبیت جایگاه خود در سوریه شده است (Wagner, 2011).

۴- به دست گرفتن بازارهای اقتصادی منطقه: در این رویکرد، یکی از اولویت‌های سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه به دست گرفتن بازارهای اقتصادی منطقه است. بدیهی است که رهبران ترکیه نفع خود را در همراهی با کشورهای عربی حامی مخالفین دولت سوریه می‌بینند تا بتوانند بازارهای این کشورها را بر روی کالاهای ساخت ترکیه و سرمایه‌داران ترک بگشایند (مسعودنیا و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۰۳).

۳-۸. تعامل منافع ایران و ترکیه در سوریه

ایران و ترکیه به عنوان دو کشور بزرگ و تأثیرگذار در خاورمیانه از این توانایی برخوردارند که ضمن چالش در روابط، انعطاف‌پذیری خود را در مدیریت و حل بحران‌ها به کار گرفته و با تعامل و همکاری در رفع آن بکوشند. نمونه بارز آن را می‌توان تعامل در حل بحران سوریه و نزدیکی دیدگاه‌های دو طرف در برخی زمینه‌ها مثل: ۱- تعامل در قبول و حمایت ایران و ترکیه از طرح کوفی عنان، ۲- گفتگوی دیپلماتیک میان ایران و ترکیه در قضیه سرنگونی هواپیمای ترکیه، ۳- بحث آزادی گروگان‌های ایرانی، ۴- نشست چهارجانبه ایران، ترکیه، عربستان و مصر در قاهره ۵- تعامل دو کشور به همراه روسیه در زمینه خروج تروریستها از حلب مشاهده نمود. اما این تعاملات بیشتر در مسائل جنبی و غیر سوریه‌ای و در راستای تداوم حسن همجواری دو کشور متأثر از بحران سوریه بوده است. ولی تقابل میان ایران و ترکیه در بحران سوریه، به حدی وسیع است که علاوه بر اینکه تعامل را کمرنگ نموده، چشم اندازگرایی متفاوتی را نیز ایجاد کرده است.

۴-۸. تقابل منافع ایران و ترکیه در سوریه

۱- دیدگاه‌های متفاوت ایران و ترکیه در مورد محور مقاومت: نگاه متفاوت ایران و ترکیه در مورد محور مقاومت ناشی از ایستارهای برآمده از هنجارهای داخلی دو کشور، و نوع تعریفی است که این دو کشور از خود در منطقه و نظام بین‌الملل دارند. نوع تعریفی که ایران از خود دارد از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، حمایت از فلسطین و محور مقاومت به یکی از اولویت‌های آن تبدیل شده است. از طرف دیگر

تعریف ترکیه از خود در روابط بین‌الملل و نوع رابطه با اسرائیل، در مقایسه با دیگر کشورها، از ویژگی‌های خاصی برخوردار است. اولاً ترکیه نخستین کشور مسلمانی است که در سال ۱۹۴۹ اسرائیل را به رسمیت شناخت و از آن تاریخ، روابط دو کشور، به جز برخی دوره‌ها، همواره حسنه بوده است. دوم اینکه، عامل اصلی در مناسبات ترکیه و اسرائیل، روابط ترکیه با آمریکا و غرب است. حکومت‌های ترک همواره خواستار توسعه روابط نظامی، اقتصادی و سیاسی با کشورهای غربی بوده و هستند، از روابط خود با اسرائیل به عنوان یک اهرم استفاده می‌کنند زیرا کمک‌های دریافتی ترکیه از کشورهای غربی در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی در بیشتر موارد به یاری لابی اسرائیل در غرب وابسته است. از این رو، حکومت‌های ترکیه تلاش کرده‌اند تا روابط خود را با اسرائیل در سطح مطلوبی حفظ کنند؛ و سوم اینکه، به رغم تمامی انتقادات و اعتراض‌ها، هیچ یک از دو کشور تصمیم به قطع رابطه یا مجازات یکدیگر نگرفته و با وجود برخی مشکلات، روابط دیپلماتیک خود را حفظ کرده‌اند (حاجی یوسفی و روحی، ۱۳۸۹: ۱۰۷).

۲- تقویت روابط ترکیه با غرب و مخالفت ایران با غرب: با شروع تحولات منطقه، غرب و در رأس آنها آمریکا مدعی مدیریت انقلاب‌های عربی هستند و تلاش می‌کنند که این راهبرد سیاست خود را از طریق ترکیه و ارائه الگوی حکومتی این کشور پیش ببرند. سناتور جان مک‌کین نیز طی سخنرانی در انستیتو خاورمیانه واشنگتن درخصوص همگرایی ترکیه و آمریکا در تحولات منطقه چنین گفته است: ترکیه و آمریکا از قابلیت و قدرت به کارگیری دیدگاه و اهداف مشترک در منطقه مهم خاورمیانه برخوردار هستند؛ به ویژه در قبال مسئله سوریه، این قابلیت‌ها در حال آزمایش است. آمریکا باید رهبری نجات مردم سوریه را برعهده بگیرد و علاوه بر آن، آمریکا آماده است که در لحظه حساس و مورد نیاز، به عنوان متحد، از ترکیه حمایت کند. بحران و اختلاف در سوریه، به تهدید راهبردی علیه ترکیه تبدیل شده است و ضمن اشاره به قیام‌های عربی می‌افزاید: ترکیه منبع الهام و الگوی بسیار خوبی برای مردم خاورمیانه است؛ زیرا مدرنیسم، اسلام و لائیسزم و نظام بازار آزاد

اقتصادی را تلفیق کرده است. ترکیه به صورت بی‌سابقه‌ای در سازماندهی و مدیریت منطقه، تأثیر چشم‌گیری دارد و به عنوان یک قدرت مهم و الگو، به جای جنگ، صلح، به جای فقر، رفاه و به جای دیکتاتوری، آزادی برقرار شود، تحقق این امر مدیون همکاری ترکیه و آمریکا در منطقه خواهد بود. آمریکا و ترکیه دارای ارزش‌های مشترک هستند و ترکیه دارای نقش مؤثر و فعال برای تأمین و حفظ منافع ملی آمریکاست. مک‌کین در خصوص مسئله سوریه و نقش ترکیه در آن نیز می‌گوید: مخالفان رژیم سوریه، رهبری منسجمی ندارند. برای سازماندهی و وحدت بین گروه‌های مخالف سوری، از ترکیه انتظار می‌رود که در مناطق مرزی ترکیه و سوریه، منطقه امن و حائل ایجاد کند. آمریکا نباید به تنهایی در سوریه وارد عمل شود؛ بلکه باید تحت رهبری آمریکا، متحدان و دوستان سوریه، برای حمایت از مخالفان سوریه یک نیروی ائتلاف داوطلب تشکیل دهند. بدین ترتیب سیاست غرب و آمریکا و رژیم غاصب صهیونیستی به عنوان جبهه ضد محور مقاومت، در تغییر و سرنگونی رژیم حاکم سوریه و حمایت ترکیه از آن و همسویی این کشور با جبهه غرب، منجر به تقابل و در نتیجه، جبهه‌بندی جدید و تضعیف همکاری‌ها بین ایران و ترکیه در چارچوب صلح و امنیت منطقه‌ای و دور شدن این دو کشور از هم می‌شود (شریفیان و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۷۰ - ۱۶۹).

۳- رقابت برای تثبیت الگوهای سیاسی: ترکیه بر خلاف دهه‌های پیشین سعی می‌کند در منطقه خاورمیانه و جهان اسلام، نقش محوری ایفا کند که این سیاست در زمان حاکمیت حزب عدالت و توسعه، به خوبی قابل مشاهده است. ترکیه در این رویکرد بر نقش محوری الگوی خود تأکید دارد و تلاش می‌کند خود را کانون سیاسی خاورمیانه و جهان اسلام معرفی کند. بسیاری از تحلیل‌گران این سیاست را که تا حدودی از هویت تاریخی ترکیه نشأت می‌گیرد، نئوعثمانی‌گری می‌نامند. اما در مقابل جمهوری اسلامی ایران، الگوی نظام سیاسی ترکیه را، در چارچوب الگوی حکومتی غرب تحلیل می‌کند و مخالف نهادینه شدن آن در جهان اسلام است. از سوی دیگر، ایران الگوی حکومتی خود را متناسب با ارزش‌های اسلامی و بومی

خاورمیانه و جهان اسلام می‌داند که عملیاتی شدن آن با روحیه بومی و اسلامی مردم منطقه سازگار است. ایران معتقد است در حوزه تمدن اسلام باید ام‌القری باشد و این جایگاه و مرکزیت قابل واگذاری به کشور دیگر نیست و همین رویکرد نیز در مقابل پندار ترکیه، مبنی بر تبدیل شدن به مرکز جهان اسلام است (شاگری، ۱۳۹۲/۷/۸).

۴- حمایت ایران از بشار اسد و مخالفت ترکیه با او: حمایت ایران از محور مقاومت و یکی از حلقه‌های این محور که کشورسوریه به رهبری بشاراسد است، باعث تفاوت دیدگاه‌های ایران و ترکیه در بحران سوریه شده است و همین مسئله با قرار گرفتن ترکیه در جبهه غرب، تقابل ایران و ترکیه را فراهم آورده است. باید افزود که حمایت ایران از شخص بشاراسد و جانبداری دولت ترکیه از مخالفان وی، یکی دیگر از محورهای اصلی تقابل دو کشور است. بی‌تردید جبهه حمایت کننده از مخالفان اسد که طیف وسیعی از کشورها و قدرت‌ها از جمله دول غربی و به ویژه آمریکا را در بر می‌گیرد، در افزایش تنش میان ایران و ترکیه بی‌تأثیر نیستند. حمایت قاطعانه جمهوری اسلامی ایران از خاندان اسد به تقابل ایران و ترکیه منجر شده است (شریفیان و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۷۰).

۵- میزان تأثیر بحران سوریه بر روابط ایران و ترکیه: نگاه ایران به بحران سوریه به علت دوری از کشور سوریه و نداشتن مرز مشترک با آن، نگاه راهبردی و بلند مدت است. اما نگاه ترکیه به بحران سوریه، یک نگاه کاملاً تاکتیکی است. ترکیه دارای حدود ۹۰۰ کیلومتر مرز مشترک با سوریه است. قرابت جغرافیایی و قرار داشتن ترکیه در کانون بحران سوریه به علت هجوم ۳۶۰۰۰ آواره سوری به این کشور و تهدید شدن خطوط مرزی این کشور با سوریه به علت حجم آتش رد و بدل شده است. همچنین تحولات در سوریه به طور مستقیم، منافع و امنیت ملی ترکیه را مورد هدف قرار می‌دهد. تحریک مخالفان ترکیه (مانند کردها) توسط سوریه، چالش فراوان در امنیت این کشور را فراهم می‌سازد. اردوغان در ۲۶ ژوئای ۲۰۱۲، مدعی شد که بشار اسد ۵ استان را به کردهای مخالف ترکیه سپرده تا علیه ترکیه وارد عمل شوند؛ و از طرفی، تلاش چندین ساله ترکیه برای پیوستن به اتحادیه اروپا را به باد

می‌دهد؛ چرا که بحران در مرزهای ترکیه، به منزله بحران در مرزهای اتحادیه اروپا قلمداد می‌شود؛ بنابراین اتحادیه اروپا که قبلاً با اغماض و خوش بینی نسبت به مسئله امنیت در ترکیه برخورد می‌کرد، حالا ورود ترکیه را منوط به برقراری آرامش در مرزهای خود خواهد کرد. ایران فاقد اینگونه مشکلات است؛ بنابراین با آسودگی خاطر بیشتری نسبت به ترکیه، به بحران سوریه می‌نگرد. همین تفاوت در میزان تأثیرپذیری دو کشور از بحران سوریه، موجب تقابل میان آنها گردیده است. از طرف دیگر، سوریه برای ایران سرپل مقاومت محسوب می‌شود. سوریه راه دسترسی ایران برای کمک به لبنان و فلسطین است تا محور مقاومت را علیه توسعه‌طلبی رژیم صهیونیستی تقویت کند و تا حدی از فشار غرب بر ایران بکاهد. عدم درک این تفاوت‌ها و به عبارت دیگر، عدم نگاه واقع بینانه به مسئله اثرگذاری بحران سوریه، باعث تقابل میان ایران و ترکیه شده است؛ بنابراین در تصمیم‌گیری‌ها و اتخاذ مواضع دیپلماتیک سران دو کشور مؤثر خواهد شد (شریفیان و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۷۲).

۶- تلاش برای توازن قوای جدید پس از انقلاب‌های عربی: تحولات جهان عرب و دخالت قدرت‌های بزرگ در منطقه، زمینه لازم را برای بی‌ثباتی منطقه‌ای فراهم آورده است. این بی‌ثباتی خلاءای را ایجاد نموده است که هر بازیگر تلاش می‌کند تا قدرت خود را در منطقه تثبیت نماید.

ترکیه بازیگری است که فرصت را مغتنم شمرده و سعی نموده است تا موازنه قدرت منطقه‌ای را به نفع خود تمام نماید. ترکیه در سایه نمایش قدرت و کسب اعتبار که به پشتوانه غرب و همراهی کشورهای عرب منطقه حاصل شده است؛ بعنوان ابزاری در جهت رسیدن به اهداف خود سود جست است. سیاست‌های ترکیه در حمایت از مردم و مخالفان دولت بشاراسد که در راستای دموکراسی‌سازی و حمایت از حقوق بشر صورت می‌گیرد، وجهه و اعتبار این کشور را نزد افکار عمومی کشورهای خاورمیانه ارتقاء بخشیده است و نقش سیاسی این کشور را در تغییر موازنه تدریجی قدرت منطقه‌ای در خاورمیانه افزایش داده است. دیپلماسی فعال، مشارکت در نهادهای اقتصادی بین‌المللی (همچون گروه بیست که حاکی از رشد و توسعه

اقتصادی دارد) و فضای ایجاد شده برای گروه‌های اجتماعی و سیاسی در این کشور که نشان از نفوذ و قدرت نرم آن کشور دارد، همسویی افکار عمومی کشورهای منطقه را به دنبال دارد و رهبران این کشور را به این خودباوری رسانده است که تعریفی جدید از قدرت خود در ژئوپلیتیک منطقه ارائه دهند که الگوی مناسب برای آینده این منطقه باشد. این تعریف جدید و سیاست حزب عدالت و توسعه منجر به تقابل اصلی میان ایران و ترکیه در بحران سوریه شده است که در آن ایران بر حفظ منافع ژئوپلیتیک تأکید دارد. اما خروج حزب عدالت و توسعه از سیاست سنتی خود یعنی تمرکز بر نقش میانجی‌گرانه و به صفر رساندن مشکلات با همسایگان و اتخاذ مواضع جانب‌دارانه در بحران سوریه، در تقابل سیاست منطقه‌ای ایران یعنی حفظ توازن قوای فعلی است. برای رسیدن به این مهم دولتمردان این کشور که سودای بیسمارکی را در به انزوا کشیدن ایران و ساقط کردن دولت بشاراسد در سر می‌پروراندند با سوارشدن بر موج بیداری اسلامی و قرار گرفتن در محور سنی تعریفی از خود ارائه نموده‌اند که نقطه مقابل تعریف ایران در محور شیعی است که زمانی به عنوان عمق استراتژیک جهان عرب محسوب می‌شد.

۷- روسیه جدیدترین چالش مشترک: پس از سرنگونی جنگنده روسی در مرزهای ترکیه توسط جنگنده‌های ترک و کشته و زخمی شدن خلبانان روس، روابط روسیه و ترکیه دچار تنش جدی شد. روسیه خواستار معذرت‌خواهی ترکیه شد. ترکیه نیز در مقابل روسیه را به تجاوز به خاک این کشور متهم کرد. پس از آن روسیه مجموعه‌ای از مجازات‌های اقتصادی، نظامی و گردشگری را علیه ترکیه به اجرا در آورد و درخواست‌های مکرر اردوغان برای دیدار با پوتین را رد کرد تا بیش از پیش این کشور را تحقیر کند. اما ایران، در این اختلاف جانب روسها را گرفت. زیرا دو طرف در موضوع سوریه که محل شروع دعوای روسها و ترکها بود رویکرد مشترک و متقابله با ترکیه دارند. این موضوع نیز بر عمق اختلافات میان دو کشور افزوده است (نیکخواه، ۹۴/۱۲/۱۶).

از سوی، نشست سه جانبه ایران، روسیه و ترکیه در مورد حلب تا حدودی تنش‌های بین روسیه و ترکیه را تعدیل نمود؛ اما این مسأله به معنای فاصله‌گیری ایران و روسیه و نزدیکی دیدگاه‌های روسیه و ترکیه تلقی نمی‌شود.

۸- همراهی ترکیه با عربستان: پس از مرگ ملک عبدالله و روی کار آمدن ملک سلمان، چرخش جدی در نوع رویکرد عربستان نسبت به مسائل منطقه ایجاد شد، سعودی‌ها که تا پیش از این دشمنی‌شان با ایران، تشیع و مقاومت را از راه‌های کمتر آشکار دنبال می‌کردند در حکومت ملک سلمان طرحی نو در انداختند، طرحی که مقابله با ایران، حزب‌الله و مقاومت را هدف گرفت و در این راه جنگ یمن را به راه انداخت، واقعه کشتار منا را بر پا کرد، کشورهای منطقه را به اتحاد علیه ایران تشویق و تحریک کرد و اخیراً نیز حزب‌الله لبنان را تروریست خواند. خصومت عربستان نسبت به ایران و تلاش مقامات این کشور در ماه‌های اخیر برای عمیق‌تر شدن این خصومت بر کسی پوشیده نیست. آنچه جای تأمل دارد نزدیک‌تر شدن ترک‌ها به عربستان در همین فاصله و حمایت از رفتارهای گستاخانه عربستان است. بر این اساس ترک‌ها از حمله عربستان به یمن و کشتار مردم بی‌دفاع این کشور حمایت کردند. در ائتلاف مبارزه با تروریسم با عنوان ائتلاف اسلامی عضویت دارند و از ادعاهای عربستان سعودی درباره دخالت ایران در امور داخلی کشورهای عربی حمایت می‌کنند (نیکخواه، ۱۳۹۴/۱۲/۱۶).

۹. تجزیه و تحلیل یافته‌ها

بعد جغرافیایی هویت ملی دو کشور، با قرار گرفتن در فلات‌های ایران و آناتولی موجب شده است تا مرزهای متفاوتی میان خود احساس کنند. ایران سرزمین خود را دروازه دیدار شرق با غرب می‌داند اما تمایل بیشتری به سمت شرق و دنیای اسلام دارد. در سوی مقابل، ترکیه خود را پل تمدنی میان اسلام و مسیحیت و آسیا و اروپا می‌داند که تمایل غرب‌گرایانه وزن بیشتری دارد. ایران از نظر جغرافیایی هویت خود را بر اساس عضویت در خلیج فارس، خزر و اقیانوس هند تعریف می‌کند که ترکیه عضو آن نیست. از طرفی ترکیه عضو دریای سیاه، مدیترانه و اقیانوس اطلس است

که ایران عضو آن محسوب نمی‌شود. ایران جزء قلمرو تشیع است در صورتی که ترکیه جزء قلمرو تسنن محسوب می‌شود. این تفاوت‌ها به صورت ذهنی اصطکاک‌های دیواره‌های امپراتوری باستان ایران که همچنان اسطوره آن بر جای مانده و دیواره‌های امپراتوری عثمانی به وجود آورده است؛ این اصطکاک همچنین در روند ام‌القرایی جهان اسلام برای ایران که مدعی هژمون بودن در منطقه است با ایده نوعثمانی‌گرایان که نقش قدرت مرکزی برای خود قائل هستند، هم قابل لمس است. سرزمین سوریه هم به عنوان جزئی از نقشه اسطوره‌ای، امت واحده ایران و قلمرو تشیع با تلاش‌های حزب عدالت و توسعه برای ضمیمه کردن آن به نقشه امپراتوری در انتخابات ژوئن ۲۰۱۱ کلید خورد. بنابراین در کنار بعد جغرافیایی از نظر تاریخی دو کشور تقریباً تاریخ مشترکی را با کشورهای منطقه دارند و زمانی جزو نقشه امپراتوری آنها محسوب می‌شده‌اند.

دین در ایران یکی از ارکان اصلی و اساسی حکومت‌داری محسوب می‌شود ولی در ترکیه به تاسی از غرب دین در حوزه مسائل شخصی و حاشیه‌ای قرار دارد. مذهب متفاوت دولت‌های ایران و ترکیه به ارائه قرائتی از اسلام در کنار حکومت‌داری انجامیده که منجر به ارائه الگوهای متفاوتی شده است. در سوریه ایران شیعه مذهب از علویان که شیعه مذهب هستند، حمایت می‌کند. از طرف دیگر گروه‌های مختلف سنی که معارضین این کشور را تشکیل می‌دهند در قالب اخوانی‌ها و سلفی‌ها، سنی مذهب‌اند و ترکیه از آنها حمایت می‌کند؛ خراب‌کاری‌های این گروه‌ها در فروپاشی بقاع متبرکه و همچنین کشتار علویان به صورت غیر مستقیم موجب تنش مذهبی میان ایران و ترکیه شده است.

زبان یکی دیگر از مؤلفه‌های است که میان دو کشور هر از گاهی تضاد ایجاد می‌کند. مثل آذری‌های ایران که ترک زبان هستند و کردهای ترکیه که از نظر زبانی خود را ایرانی اصیل می‌دانند، تحریکات قومی را به دنبال دارد. در بستر منازعه، ترکیه با حمایت از ترکمن‌ها در سوریه که از نظر زبانی آنها را هم ریشه با زبان ترکی می‌دانند، ناخرسندی ایران را فراهم کرده‌اند.

حکومت و دولت در ایران، بر مبنای اصول سیاسی و فقهی شیعی استوار است که مذهب نقش اساسی در حکومت‌داری ایفا می‌کند. در مقابل در ترکیه سیاست و حکومت مذهب را بر نمی‌تابد. در ایران حکومت بر مبنای اصل ولایت فقیه استوار است در ترکیه بر مبنای لایسیزم که شکلی از حکومت‌داری است که جدای از دین است.

در تعریف ایران از الگوی اسلام‌گرایی خود عناصر جهاد، شهادت ... نهفته است که در اسلام‌گرایی اعتدالی ترکیه این عناصر جای ندارند. انعکاس این تفاوت‌ها در سوریه اینگونه است که ترکیه خواهان حکومت اخوانی‌هاست. در صورتی که ایران از شریک راهبردی خود بشمارد که علوی تبار است حمایت می‌کند. نکته قابل توجه اینکه سکولاریسم در قالب شیعه و سنی نمی‌تواند منجر به هویتی مشترک بین شیعه و سنی شود همان طور که سکولاریسم سوریه دارای هویتی مشترک با سکولاریسم ترکیه نیست و در دو قطب مخالف هم قرار داشته‌اند و در سطح سیستمی هم سوریه آخرین پرده سناریوی کمونیسم است که متضاد با کاپیتالیسم بود. عنصر دیگر، هویت قومی و نژادی است.

دو کشور با وجود اختلاط‌های قومی و نژادی مانند اقلیت‌های قومی کرد که خود را ایرانی اصیل می‌دانند در ترکیه و آذری‌های ایران که ترک زبان هستند، هنوز نتوانسته‌اند در این بعد به هویتی مشترک برسند. در سوریه وجود اقلیت‌های ترکمن که از نظر زبانی و مذهبی به ترک‌ها نزدیکند و کردها در دو کشور با وجودی که خود را ایرانی اصیل می‌دانند به دلیل اشتراک مذهب با ترک‌ها این رابطه با ایران سست و متزلزل است.

میراث فکری و فرهنگی دو کشور حاصل تاریخ غنی و جغرافیایی است که دو کشور در آن قرار گرفته‌اند. موقعیت ژئوپلیتیکی دو کشور تاثیر عمیقی در تفاوت میراث فکری و فرهنگی ایجاد کرده است. آئین‌ها و رسوم ایرانی در ادوار مختلف با کمی تعدیل در قالب اسلامی و ایرانی آن استمرار یافته‌اند اما در کشور ترکیه به دلیل همسایگی با غرب و مسیحیت بخش‌های بزرگی از فرهنگ شرق و غرب را همزمان

در خود دارد که این امر علاوه بر تفاوت فکری و فرهنگی که میان دو کشور ایجاد کرده است؛ جمهوری اسلامی ایران را هم مجبور می‌کند که به دلیل مخالفتی که با غرب دارد در تعاملات فرهنگی‌اش با این کشور جانب احتیاط را رها نکند.

فرق اساسی دیگر، بین اساطیر و قهرمانان دو کشور است. اسوه‌های ایرانی از بطن مذهب شکل گرفته‌اند مثل مولی علی (ع)، امام حسین (ع) و... که عنصر جهاد و شهادت و ظلم ستیزی و دفاع از مظلوم را تداعی می‌کند، اما اسوه‌های ترکیه بیشتر جنبه مادی و مردمی دارند. انعکاس این مؤلفه در سوریه به اسوه پایداری یعنی حضرت زینب (ع) خود را در مقابله با تروریسم نشان داده است. اسوه‌های ترکیه در میان اهل تسنن با شعارهای مبتنی بر سکولاریسم قابل فهم است.

نتیجه‌گیری

بر اساس مطالعه‌ای که در بررسی عناصر و مؤلفه‌های هویت‌ساز دو کشور ایران و ترکیه و تأثیر آن بر سیاست خارجی دو کشور در سوریه صورت گرفت، شواهد حاکی از آن است که دو کشور با پیشینه درخشانی که دارند برخوردار از هویتی متکثر هستند. این هویت متکثر سیاست خارجی دو کشور را چند وجهی نموده است. تشابه در این چندوجهی بودن سیاست خارجی که ناشی از موقعیت ممتاز ژئوپلیتیک و تاریخی دو کشور است؛ به معنی تشابه در جهت‌گیری‌های سیاست خارجی دو کشور نیست؛ زیرا تعریفی که دو کشور در عرصه سیاست خارجی از خود دارند بر اساس هنجارهای برآمده از هویت داخلی آنهاست که منجر به نگاههای متفاوت می‌شود. یافته‌های پژوهش در مورد ج.ا.ایران، مبتنی بر این نکته است که ج.ا.ایران با نگاه خاصی که به هویت و سیاست خارجی دارد عملاً با عمده روندهای جاری منطقه‌ای و بین‌المللی در مواجهه است و بطور بدیهی مخالف ملی‌گرایی سکولار ضد اسلامی ترکیه است. از سوی دیگر ترکیه با وجود اسلام‌گرا بودن دولت و انعطافی که از خود در سیاست خارجی نشان داده است همچنان نگاه غرب‌گرای کمالیسم را به عنوان جهت‌گیری اصلی خود برگزیده است و برای همین نتوانسته خود را به ایده‌آل‌های ایران نزدیک کند. نگاه‌های دو کشور به سیاست

خارجی و منافع تعریف شده خود، در دو سر طیف (ایران به بعد تفسیری و ترکیه به بعد تبیینی) رهیافت سازه‌انگاری قرار دارد. این فاصله، تعامل میان دو کشور را کم‌رنگ کرده، و به تقابل منافع دو کشور (در سوریه و...) انجامیده است. روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه، تحولی عظیم در عرصه سیاست خارجی این کشور به وجود آورده و توانسته با بهره‌گیری از قدرت نرم و سیاست چند وجهی خود، عمده روندهای منطقه را در جهت دستیابی به اهداف و منافع خویش رهبری نماید. این حزب با سیاست صفر کردن مشکلات با همسایگان، در مرحله اول نوع‌ثانی‌گرایی، تعامل با کشورهای همسایه ب‌الاخص ایران و سوریه را در دستور کار خود قرار داد. اما با شکل‌گیری امواج بیداری اسلامی و کشیده شدن دامنه آنها به سوریه، عراق، بحرین، یمن و ... این حزب در راستای منویات رهبران و منافع کشور و مردم خویش، با یک چرخش کامل در جرگه جریان محافظه‌کار قرار گرفت. یافته‌های پژوهش مرتبط با ترکیه، حاکی از وجود و تحرک سیاست سیال و منعطف این کشور برای دستیابی به اهداف و منافع خود در منطقه است و برای همین خود را منحصر در دسته‌بندی‌های ثابت منطقه‌ای نمی‌کند و با انعطاف پذیری شدیداً پراگماتیستی خود، سیاستی سیال را دنبال می‌کند که نشان از عملگرایی اساسی دولتمردان این کشور در عرصه سیاست خارجی دارد. با نگاهی به مؤلفه‌های هویتی دو کشور، لایه‌های سیاست خارجی و شاخص‌های برآمده از آنها عملاً این نتیجه حاصل می‌شود که تفاوت‌های هویتی میان دو کشور تعارض سیاست خارجی در سوریه را موجب شده است.

منابع

الف- فارسی

احمدی، ح. بی‌تا. هویت ایرانی: بنیادها، چالش‌ها و بایسته‌ها، فصلنامه پژوهش فرهنگی، (۶)۷:

احمدی پور، ز. ط، حیدری موصولو. ۱۳۸۹. تحلیل قومیت و هویت قومی در ایران: جهت امنیت پایدار، فصلنامه علمی - پژوهشی انتظام اجتماعی، ۲(۱): ۶۲-۳۵.
اسلامی ندوشن، م. ۱۳۸۷. فرهنگ و شبه فرهنگ، انتشارات یزدان، چاپ چهارم، ۱۴۰ ص.
امام جمعه زاده، س. م، رهبری قاضی، ز، مردی. ۱۳۹۱. تحول گفتمان هویت در ترکیه از کمالیسم به اسلام گرایی با تأکید بر حزب عدالت و توسعه، مطالعات جهان اسلام، ۱(۳): ۷۲-

۴۵

امیدی، ع. ۱۳۸۷. چپستی و چگونگی سیاست خارجی مقایسه ای: مطالعه موردی روابط ایران و سوریه، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، ۱۴ و ۱۵(۴ و ۱): ۱۲۲-۹۹.
امیدی، ع. ف، رضایی. ۱۳۹۰. عثمانی گرایی جدید در سیاست خارجی ترکیه: شاخص ها و پیامدهای آن در خاورمیانه، فصلنامه روابط خارجی، ۳(۳): ۲۶۷-۲۳۱.
بشیری، ع. ۱۳۹۱. مدل های حکومتی جانشین و رقیب در کشورهای اسلامی منطقه، بصیرت صالحین، ۱(۴).

پورطالب، ر. ۱۳۹۱. اهداف و منافع ایران در قبال سوریه در

Iranona.Com/1391

جوادی ارجمند، م. ا، چابکی. ۱۳۸۹. هویت و شاخص های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه سیاست (مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی)، ۴(۱): ۵۹-۳۹.
حاجی یوسفی، ا. و روحی، م. ۱۳۸۹. ترکیه در جستجوی متحدان منطقه ای، فصلنامه مطالعات بین المللی (ISJ)، ۷(۱).
رجایی، ف. ۱۳۸۲. مشکله هویت ایرانیان امروز، نشر نی، ۲۶۴ ص
ساری تاش، س. ۱۳۹۲. اهمیت و ویژگی های اساطیر ترک و تفاوت های آن با سایر اساطیر، مترجم از زبان ترکی استانبولی (مزگان دولت آبادی).
سریع القلم، م. ۱۳۷۹. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بازبینی نظری و پارادایم ائتلاف، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۷۲ ص.
سیدنژاد، س. ۱۳۸۹. مطالعه تحلیلی و تطبیقی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با نظریه سازه نگاری، فصلنامه علوم سیاسی، ۱۳(۴۹): ۱۸۶-۱۶۳.
شاکری، ر. ۱۳۹۲/۷/۸. تأثیر حزب عدالت و توسعه بر روابط ایران و ترکیه، کائنات، ۶(۱۹۰۳).
شریفیان، ج. ا، کبیری، ع، طحانمنش. ۱۳۸۹. تعامل و تقابل ایران و ترکیه در بحران سوریه، فصلنامه امنیت پژوهی، ۱۳(۳۸): ۱۸۴-۱۳۹.

فلاح، ر. ۱۳۹۱. تعامل و تقابل ترکیه و ایران در عراق، خبرگزاری فارس.
 قاسمی، ص. ۱۳۷۴. ترکیه (مباحث کشورها و سازمان های بین المللی). تهران: دفتر مطالعات
 سیاسی و بین المللی، موسسه چاپ و انتشارات وزارت خارجه، ۲۵۶ ص.
 قربانی، ا. ح، توتی. ۱۳۹۳. تحلیل سازه‌انگاره روابط مصر و اسرائیل، فصلنامه سیاست جهانی،
 ۳(۴): ۲۸-۷.

قوام، ع. م، جاودانی مقدم. ۱۳۸۶. بررسی سازه‌انگاره بنیادهای سیاست خارجی جمهوری
 اسلامی ایران، فصلنامه خط اول، ۱(۳): ۱۰۴-۹۱.
 کرمان، ک. ه، البرزی. ۱۳۹۴. جنگ رسانه‌ها: چالش الگوی سیاسی مبتنی بر تشیع ایران و الگوی
 مبتنی بر وهابیت عربستان در بحرین، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین المللی،
 ۷(۲۴): ۲۱۴-۱۸۹.

نیکخواه، ل. ۱۳۹۴. ایران و ترکیه تعامل یا تقابل در

www.sahebnews.ir

مجتهدزاده، پ. ۱۳۸۶. کشورها و مرزها در منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس، ترجمه و تنظیم:
 حمیدرضا ملک محمدی نوری، موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۲۶۰.
 محمدی، م. ۱۳۹۱. تبعات بحران سوریه بر روابط جمهوری اسلامی ایران و ترکیه، مرکز بین
 الملل صلح.

مسعودنیا، ح. د، نجفی. ۱۳۹۰. سیاست خارجی نوین ترکیه و تهدیدهای امنیتی فراروی
 جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه آفاق امنیت، ۴(۱۳): ۱۶۲-۱۳۷.
 مسعودنیا، ح. ع، فروغی. م، چلمقانی. ۱۳۹۱. ترکیه و بحران سوریه از میانجیگری تا حمایت از
 مخالفان دولت، مجله: مطالعات سیاسی جهان اسلام، ۱(۴): ۱۱۰-۸۳.

مشیرزاده، ح. ۱۳۸۹. تحول در نظریه‌های روابط بین الملل، تهران: سمت، چاپ پنجم، ۳۷۸ ص.
 نقیب‌زاده، ا. ۱۳۸۱. تأثیر فرهنگ ملی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ناشر:
 وزارت امور خارجه، موسسه چاپ و انتشارات: ۲۹۴ ص.

هاشمی، م. ۱۳۹۱. هویت و سیاست خارجی ترکیه پس از جنگ سرد. پایان‌نامه کارشناسی
 ارشد دانشگاه رازی کرمانشاه، استاد راهنما قدرت احمدیان، مشاور فرهاد
 دانش‌نیا، ۴۳۶ ص.

وارنر، ر. ۱۳۸۹. دانشنامه اساطیر جهان، مترجم ابوالقاسم اسماعیل پور، تهران: انتشارات
 اسطوره، ۶۳۴ ص.

نگاهی به چالش پیش روی روابط ایران و ترکیه در تاریخ ۱۳۹۱/۵/۲۵
www.alef.ir/vdcaiy6m49ni61.k5k4.html?16wml

ب - انگلیسی

- Baroud, R. .october 6, 2011. The Syrian uprising:u.s.follows a failed path <http://www.foreignpolicyjournal.com/2011/10/06/the>
- Badran,T . December 1/2011. How assad stayed in power – and how hell try to keep it. <http://www.foreignaffairs.com/articles/136707/tony>
- F. Gregory G. 2014. "Beyond Sectarianism: The New Middle East Cold War", Available at: <http://www.brookings.edu/research/papers/2014/07/22-beyond-sectarianism-cold-war-gause> (22 July 2014)
- Gonzalo Porcel Quero, "Thas Spolle Franco: The Place of History in Making of Foreign Policy", in:V.Kuballcova(Ed) Foreign Policy in constracted World: International Relations in a Constracted World(M.E).
- Sozel,M. 2004. the future of Turkish foregn policy, in the future of Turkish foreign policy, edited by leonore G.martin and Dimstirc keridi, Cambridge: the MIT press.
- Ted H.,1998 "The Promise of Constructivism in International Relation Theory", International Security, No.3,P.190.
- Wagner,D. .september 12, 2011. Turkeys high stakes foreign policy gamble. http://www.foreignpolicyjournal.com/2011/09/12/turkeys_high_stakes_foreign_policy_gamble/.

۱۷۳



سیاست جهانی